

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برنامه ضیافت آسمانی ۱۶ ۰۱ ۱۴۰۳ (قسمت ۲۴)

عنوان برنامه: ضیافت آسمانی - به مناسبت ماه مبارک رمضان

استاد: حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر سعیدی آریا

مجری: آقای محمد صفایی

کلیدواژه‌ها:

ماه رمضان؛ استجاب دعا؛ موانع اجابت دعا؛ قرآن؛ ختم قرآن؛ هدایت؛ ذکر خدا؛ تلاوت؛ معرفت؛ کتمان حق؛ تفسیر به رای؛ عمل به قرآن؛ تربیت قرآنی؛ زندگی قرآنی!

مجری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَالْعَنِ أَعْدَانَهُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرِ

سلام علیکم خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند همراهان گرامی روزه داران، طاعات و عبادات تان ان شاء الله قبول درگاه احدیت باشد. در آستانه افطاری دیگری از ماه مبارک رمضان سال ۱۴۴۵ هجری قمری با ویژه برنامه ضیافت آسمانی از شهر مقدس قم جوار کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و از شبکه جهانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در خدمت شما عزیزان هستیم!

در این ویژه برنامه در خدمت کارشناس ارجمند و استاد گرانقدر جناب حجة الاسلام و المسلمین سعیدی آریا هستیم و با ایشان گفتگو خواهیم کرد و ان شاء الله خواهیم شنید از این ماه مبارک و ماهی که به نام ماه قرآن نامگذاری شده بهار قرآن که با بهار طبیعت مصادف هم شده است ان شاء الله بحث مان را حول همین موضوع با ایشان آغاز خواهیم کرد. سلام عرض می کنم خیلی خوش آمدید.

استاد سعیدی آریا:

سلام علیکم و رحمة الله بسم الله الرحمن الرحيم بنده هم عرض سلام، ادب و احترام دارم خدمت همه عزیزان ان شاء الله که توفیق بندگی و اطاعت خداوند را در همه احوال زندگی داشته باشیم. ان شاء الله نسبت به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) عاشق، عارف و عامل باشیم. لحظه لحظه های شیرین این ماه مبارک رمضان را به خوبی بتوانیم درک بکنیم.

ان شاء الله این مهمانی وقتی تمام شد یک حس خوشی داشته باشیم خدایا چقدر خوب پذیرایی شدیم چقدر خوش اشتها در این مهمانی حاضر شدیم. تو کریم و بزرگ هستی اما (گر گدا کاهل بود تقصیر صاحبانه چیست)، ان شاء الله خداوند لحظه لحظه اش را برای ما پر برکت قرار بدهد.

مجری:

ان شاء الله عید فطر و نماز عید فطر آمد و رفت واقعاً دست پر بیرون آمدیم. مستلزم این هست که معرفتی داشته باشیم. جلسه گذشته در مورد روزه صحبت فرمودید این ضیافت آسمانی خیلی خوب و زیبا بود این جلسه را به قرآن کریم اختصاص بدهیم. ماه مبارک رمضان، ماه قرآن و بهار قرآن هست با بهار طبیعت هم هم زمان و مصادف شد نیاز هست که یک عنایت ویژه ای به قرآن کریم داشته باشیم.

استاد سعیدی آریا:

قرآن، ذکر، یاد خدا، (هُدًى لِلنَّاسِ) خودش را مقداری برای ما معرفی بکند که شاید زیباترین معرفی ها باشد. هدایت برای مردم است اولاً قرآن کریم، خودش را اصل هدایت معرفی کرده ما می گوئیم «علیّ عدل» نمی گوئیم «علیّ عادل» می گوئیم امیر المؤمنین (علیه السلام) خود عدل است.

وقتی می خواهیم شدت یک چیزی را برسانیم از مصدر استفاده می کنیم (هُدَى لِلنَّاسِ) اصل هدایت برای مردم همین قرآن است.

با یک سوال برنامه را شروع کنیم مگر (هُدَى لِلنَّاسِ) نیست پس چرا آدم گمراه داریم؟ مگر خاصیت هدایت ندارد؟ قرآن هم هست پس چرا همه هدایت نمی شوند؟ چه اتفاقی می افتد؟ شاید این هدایت یک ایرادی دارد به این مقتضی هدایت در قرآن می گویند اما موانعی هم وجود دارد.

با یک مثال مسئله را ساده کنیم. شما پیش من می آید می گوید فلانی چطور می شود آتش روشن کرد؟ می گویم چند تا چوب را روی همدیگر بگذار آتش زنه خودت را هم زیرش دو دقیقه نگه دار آتش می گیرد و شعله ور می شود. می روید فردا می آید می گوید فلانی، اشتباه گفتم فرمولت غلط است می گویم چرا؟ می گوید این کار را کردم نشد.

بیا برویم ببینیم چطوری است؟ نگاه می کنم می بینم درست است چوب ها را روی هم چیدی و آتش زنه را هم گرفتی ولی چوب ها خیس است این مانع می شود. اقتضاء، علت و روش روشن کردن گرفتن چوب ها روی همدیگر و آتش زدن آن است. مانع، خیس بودن چوب ها می شود. بعضی موقع ها

(ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)

مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!

سوره غافر (۴۰): آیه ۶۰

دعا کنیم خدا مستجاب می کند. فلان دعا، فلان جا باشد حتماً مستجاب است اما یک موانع استجاب دعا هم داریم «تَحْسِبُ» یک جاهایی هست دعا حبس و زندانی می شود یک جاهایی هست بی رحمی در روایات داریم خدا دعای آدم بیرحم را

مستجاب نمی کند. حتی به فرزندش، حتی به حیوانات در روایت قید دارد دارم عرض می کنم نسبت به حیوانات بیرحم است خدا دعایش را مستجاب نمی کند.

آدم حسود این از خواص حسادت است که خدا دعایش را مستجاب نمی کند. درست است که موجبات و مقتضی دعا، دست گرفتن، دعا کردن و از خدا خواستن را دارد اما مانع مثل تر بودن چوب و حسادت است. این ها جلو می آید از استجاب دعا جلوگیری می کند. فرزند شما حرف گوش کن است می گوید بابا فلان چیز را برایم می خری؟ بله می خرم خواسته اش است.

اما یک روز حرف شما را گوش نکرد فلان کار را هم بر عکس عمل کرد درسش هم نخواند بابا این را می خری؟ نه نمی خرم. پول ندارم نیست تو حرف گوش کن نبودی توبیخ می شوی. در جاهای مختلف قرآن هم آمده است.

(وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شَحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ)

و بر یهودیان، هر حیوان ناخن دار [= حیواناتی که سم یکپارچه دارند] را حرام کردیم؛ و از گاو و گوسفند، پیه و چربیشان را بر آنان تحریم نمودیم؛ مگر چربی هایی که بر پشت آنها قرار دارد، و یا در دو طرف پهلوها، و یا آنها که با استخوان آمیخته است؛ این را بخاطر ستمی که می کردند به آنها کیفر دادیم؛ و ما راست می گوئیم.

سوره انعام (۶): آیه ۱۴۶

خدا بر یهودی ها بعضی از چربی های بعضی از حیوانات را حرام می کند (ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ) این جزای آن هاست به واسطه طغیان شان و خطایی که کردند. نه این که خوردن از این حیوانات اشکال و ضرری دارد. اتفاقاً خوب و لذیذ هم هست اما

(ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ) به خاطر طغیانی که دارد جزای تان این است که این ماده غذایی را بر شما حرام کردم.

قرآن کریم هدایت را دارد و مقتضی هدایت هست اما کسانی یک بلایی سر خودشان می آورند شامه و ذائقه ندارند دیگر هدایت برای شان تأثیر ندارد. پیغمبر هم باشد نمی تواند تأثیر بگذارد پیغمبر همه توانایی ها را دارد مقداری قرآن بخوانیم قرارمان این شد موضوع قرآن باشد تبریک به آیه های قرآن هم در بحث مان هم در برنامه و هم در روی دل هایمان باشد.

آیه سوره مبارکه بقره به صراحت دارد:

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ)

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد.

سوره بقره (۲): آیه ۶

گروه کفاری را می فرماید (سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ) یعنی ده درصد هم مؤثر نیست مساوی است (أَأَنْذَرْتَهُمْ) پیغمبر اگر خود تو هم انداز بکنی (أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ) یعنی هیچ چیز نگویی یا بگویی فاعل چه کسی است؟ خود پیغمبر (لَا يُؤْمِنُونَ) این اتفاق می افتد که گفتن پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که اصل هدایت هست خاک پای حضرت هم نیستم تعارف هم نداریم بهترین و شیواترین لسان عالم و بهترین هدایت از جانب اوست (سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ) ده درصد هم بهتر نمی شود.

قرآن اگر به گوش کسی برسد یک مثال می خواهم بزنم و یک روایت بخوانم کسی را در تاریخ به نام ابو جهل داریم اسم خیلی ضایعی دارد این لقب چه است؟ پدر جهل، ته جهل؛ اب در عربی می گویند مثل پدر علم شیمیایی بگویم یعنی در این مسئله

چقدر بالاست. چه لقبی انتخاب کردی؟ در تاریخ نگاه می کنیم مثلاً ابو جهل لقبش نیست دو لقب دیگر برایش ذکر کردند.

بعضی ها ابو الحکمة گفتند و بعضی ها ابو الحکم گفتند پدر حکمت ها و دانایی؛ آدم باسواد و حکیم درست بر عکس بعداً اسم ابو جهل را رویش گذاشتند که اسم حکمت خراب نشود. وگرنه اسم اصلیش بود. یک شب سعد ابی وقاص با عمر سعد ملعون که در کربلاء آن جنایت را انجام داد خدا عذابش را زیاد کند.

می گوید دیدم ابو جهل پشت در خانه پیغمبر نشست دارد قرآن خواندن پیغمبر را گوش می دهد چه کار می کنی فلانی؟ تو در روز داری می گویی مردم از کنار این فرد رد شدید دست هایتان را در گوش تان بگذارید مسیرتان را عوض کنید می خواهد دین آباء و پدران تان را از شما بگیرد حالا خودت نشستنی داری گوش می کنی؟

به قول ما هر چه رشته بودیم پنبه کردی رفت دیگر نمی آیم فردایش دوباره همدیگر را آن جا دیدند. چه کار می کنی اگر مردم ببینند چه؟ خودت کاری را انجام می دهی که خودت نهی کرده بودی. شب سوم دوباره همدیگر را دیدند سعد می گوید چه کار می کنی؟ نظرت راجع به این مرد (اشاره به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) چه است؟

ابو جهل جواب می دهد این شخص پیغمبر خداست قرآنی هم که دارد می خواند از جانب خداست تمام سکناات و رفتارش بر اساس دستور خداست. اما خانواده ما و خانواده او هر دو مانند دو اسب دوشادوش مسابقه بودند هر پیروزی داشتند ما به ازایش یک پیروزی هم ما داشتیم. هر شکستی آن ها داشتند ما به ازایش یک شکست هم ما داشتیم. الان از خانواده آن ها یک پیغمبر آمد از خانواده ما نیامد.

امام صادق (علیه الصلاة و السلام) فرمود حسادت ریشه کفر است اصل در روایت دارد باورمان می شود یک رذیله اخلاقی این قدر قدرت داشته باشد زیربنای یک مسئله

اعتقادی در حق کفر و ایمان باشد؟ بله باورمان بشود هم داستان و هم روایت امام صادق (علیه السلام) را عرض کردم.

در این روایتی که عرض کردم به یک نکته ظریف می خواستم اشاره بکنم بحث مان قرآن است قرآن دارد از زبان پیغمبر را دارد می شوند نه از زبان محمد، حسن، اصغر و فلان نه از زبان خود پیغمبر دارد می شنود لسانی به این طهارت، کلامی به این طاهری ولی هیچ تأثیری نمی گذارد. می دانید ابو جهل تا آخر عمرش کافر می ماند هیچ وقت اظهار ایمان نکرد.

یقین به حقانیت دارد ولی قرآن روی قلبش اثر نمی گذارد، پس داریم راجع به قرآنی صحبت می کنیم که اتفاقاً (هُدًى لِلنَّاسِ) هست ولی موانع هدایت جلویش را می گیرد. آیه

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!

سوره انسان (۷۶): آیه ۳

بله هر دو موضع در مقابل قرآن کریم هست می شود در مقابل هدایتی به شدت قرآن از لسان پیغمبر نشست به هیچ وجه تأثیر نگرفت. آیه ۶ سوره بقره را هم خواندیم امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه متقین دارد از حضرت بگوئیم ان شاء الله هم لسان مان شیرین بشود هم اذهان مان شیرین بشود هم قلب هایمان نورانی بشود فرمود: «ذِكْرُ عَلِيِّ عِبَادَةَ»

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ذكر علي عبادة»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال؛ اسم المؤلف: أبي

القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة: ۵۷۱، دار النشر:

دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین اُبی سعید عمر بن غرامة العمري،

ج ۲۲، ص ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۶

هر جوری بگویی که اسم امیر المؤمنین در آن باشد ان شاء الله پرواز قلب آدم است.

مجری:

بله داریم «عَلِيٍّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ»

«سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول علي مع القرآن والقرآن مع

علي لن يتفرقا حتى يردا علي الحوض هذا حديث صحيح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین؛ اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم

النیسابوری الوفاة: ۴۰۵ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م،

الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۳۴، ۶۴۲۸

استاد سعیدی آریا:

خوش به حال آن هایی که این مسئله را فهمیدند. روایتی در خطبه متقین در نهج البلاغه هست روایت معروفی است شخصی به نام همام خدمت امیر المؤمنین آمد این روایت برایم خیلی عجیب است سعی می کنم جاهایی که صحبت می کنم حتماً این روایت را بیاورم عزیزان را تشویق کنم بالاخص مراجعه به خود خطبه، نصیحت و خیر خواهی که از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در مراجعه به این مسئله نصیب ما می شود.

«رُويَ أَنَّ صَاحِباً لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (سَلامَ اللهِ عَلَيهِ) يُقَالُ لَهُ هَمَّامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِداً
فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَاتِبِي أَنْظُرَ إِلَيْهِمْ فَتَثَاقَلَ (سَلامَ
اللهِ عَلَيهِ) عَنْ جَوَابِهِ ثُمَّ قَالَ يَا هَمَّامُ اتَّقِ اللهَ وَ أَحْسِنُ فَإِنَّ اللهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ
الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ فَلَمْ يَفْعَعْ هَمَّامٌ بِهَذَا الْقَوْلِ حَتَّى عَزَمَ عَلَيهِ»

دارد که این شخص آمد خیلی اصرار کرد «صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ» به امیر المؤمنین علی (علیه السلام) عرضه داشت برایم توصیف کنید آدم های با تقوا چطوری هستند؟ «فَتَتَأَقَّلَ (سلام الله عليه)» حضرت ظاهراً ثقل و سنگینی حضرت نگفتند «اتَّقِ اللَّهَ» با تقوا باشد «حَتَّى عَزَمَ عَلَيْهِ» امیر المؤمنین علی (علیه السلام) را قسم داد حضرت بعد از حمد خدا و نأت رسول شروع کردند صد و پنج صفت از صفات انسان های با تقوا را پشت سر هم گفتند.

به صفت صد و پنجم که رسیدند:

«فَصَعِقَ هَمَامٌ صَعَقَةً كَانَتْ نَفْسُهُ فِيهَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (سلام الله عليه) أَمَا
وَ اللَّهُ لَقَدْ كُنْتُ أَخَافُهَا عَلَيْهِ»

یک فریادی کشید از دنیا رفت دیگر سعه وجودی بیشتر از این جواب نمی دهد. که حضرت فرمودند نصایح بالغه با اهلش این گونه عمل می کند یعنی باید اهلیت داشته باشی گفتن من با اهلش بود. یک شخص دیگری هم آن جا حضور دارد بلند می شود یک حرف بی ادبی به امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می زند:

«فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: فَمَا بَالُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ (سلام الله عليه) وَيَحْكُ إِنَّ لِكُلِّ
أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ وَ سَبَبًا لَا يَتَجَاوَزُهُ فَمَهْلًا لَا تَعُدُّ لِمِثْلِهَا فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ
عَلَى لِسَانِكَ»

نهج البلاغة (للصبي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر:

هجرت، محقق/ مصحح: فیض الاسلام، ص ۳۰۳ و ۳۰۶

چرا خودت چیزیت نشد؟ این حرف لوازم زشتی دارد یعنی این حرف هایی که دای می زنی لقلقه زبان است زبانم لال زبانم لال که حضرت با «وَيَحْكُ» جوابش را می دهد یعنی وای به تو که همچنین حرفی زدی اما حضرت یک جمله ای دارد «نَفَثَ عَلَى لِسَانِكَ الشَّيْطَانُ» این حرف را شیطان به زبان تو آورد «نَفَثَ» با ث مثل:

(وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ)

و از شر آنها که با افسون در گره‌ها می‌دمند (و هر تصمیمی را سست می‌کنند)؛

سوره فلق (۱۱۳): آیه ۴

اره می‌شود دو نفر جلوی امیر المؤمنین علی (علیه السلام) یکی از شدت معرفت بمیرد و یکی واکنش نشان بدهد. هدایت یکی است و لسان مبارک امیر المؤمنین چشمه نور، معدن العلم است برای دو تا برخورد مختلف می‌شود. (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)

ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس

سوره انسان (۷۶): آیه ۳

حواس مان به خودمان این جاها خیلی باید باشد. خدا چیزی از هدایت کم ندارد قرآن چیزی از هدایت کم ندارد نقص ندارد نمی‌خواهد بگوید کاملش می‌کنم یک جلد دوم برای قرآن بنویسم کامل بشود. او (هُدًى لِّلنَّاسِ) هست من در مقابل او سد و دیوار ایجاد کردم. خودم دلم می‌خواهد ایمان به بعضی و کفر به بعضیش داشته باشم این هم آیه قرآن است.

دوست دارم گزینشی نسبت به دین نگاه بکنم «كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي» را گزینشی نگاه کردن یعنی چه؟ کتاب را داشته باشم «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»، عثرت را کنار بگذارم در قرآنش هم همین طور در اهل بیت (علیهم السلام) این کار را قبول کنم و آن کار را قبول نکنم. جزء روایات ما است، لذا می‌فرماید کسی که خودش را از ما بداند و در کار اطاعت خدا نباشد از ما نیست ما قبولش نداریم.

بگویند من اهل بیته هستم عشق به اهل بیت دارم ولی اطاعت خدا نکنم از آن چیزهای من در آوردی تا دل تان بخواهد...

مجری:

شیعه نیست محب هست

استاد سعیدی آریا:

بله، شفاعت خدا را باید داشته باشد خط کش و معیار دارند دست ما می دهند. اولاً خود اهل بیت (علیهم السلام) در بندگی خدا چطوری بودند؟ رقیب نداشتند اصل بندگی آن ها است حق عبادت را آن ها به جا آوردند. نگاه نماز و روزه شان چطوری بود؟ درد و دل شان با خدا چطوری بود دعای کمیل را شنیدید وقتی سلمان می آید خبر بدهد علی را دیدم در این حال بود علی جان داد تمام شد.

حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می فرماید این کار همیشه اش هست؛ عشق بازی شان با خدا این طوری است. روزه بودن شان این طوری است جهادشان آن طوری است. هر کدام را آدم نگاه می کند اگر الگو آن ها هستند حرکت ما باید طبق الگوی آن ها باشد. در روایت دارد اهل بیت (علیهم السلام) در مورد امام رضا (علیه السلام) دارد در ماه مبارک چند بار قرآن را ختم می کردند.

تلاوت قرآن موضوعیت دارد «النظر إلى المصحف» موضوعیت دارد نگاه، خواندن جای خودش باز کنم نگاه کنم برکت می آورد. بعضی از چیزها برکت را از قلب آدم می برد مثلاً حضرت دارد نگاه به چهره کافر کسی که کفر دارد کسی که خدا را نفی می کند باعث تیرگی قلب آدم می شود. نگاه به قرآن دل آدم را روشن می کند.

بعضی از ذکرها، یادها و گویش «ذکر علی عبادة» دل آدم را شاد می کند بندگی خداست قریباً إلى الله دارد. نظر به وجه عالم همین مسئله را دارد روایات متعددی که در باب کعبه و دریا دارد خیلی از این ها نشانه های قدرت الهی هستند. بحث قرآن

نگاه، تلاوت، تأمل و تدبرش هست. این راهنمای من است کتاب قانون را همه می توانند یک بار از رویش بخوانند.

ولی یک سری کسانی استبصار، دنبال و شرح می کنند در قرآن پیدا می شود دل آدم با قرآن آرام می شود.

(الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)

آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند، و دل‌های شان به یاد خدا مطمئن (و

آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می یابد!

سوره رعد (۱۳): آیه ۲۸

اسم دیگر قرآن، ذکر است فرقان، ذکر و هدایت هست دل آرام می شود دل های ما یک خاصیتی دارد خاصیت تشویش، به هم ریخته و ترس دارد. بچه ای که در یک محیطی می رود هر چند لحظه یکبار مادر و پدرش را نگاه می کند گم نشود. بچه ها مدرسه می روند روزهای اول مدام نگاه می کند دل‌ه‌ره می گیرد.

(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) یاد خدا باعث آرامش دل ها است ولی بچه در بغل پدرش محو تلویزیون می شود چون با تمام وجودش دارد پدر را لمس می کند و در بغل پدر است. در بغل راحت خوابش می برد و در بغل راحت است. قرآن خاصیتش این طوری است ذکر چون گفته شد (تَطْمَئِنُّ)، «إِطْمَئِنَّ، يَطْمَئِنُّ» اطمئنان یعنی آرامش؛ حزن و خوف نمی گیرد

(وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)

و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست.

سوره بقره (۲): آیه ۶۳

چرا می گوید قرآن، حزن پیدا نمی کند؟ چرا ناراحت نمی شود؟ دیدید بچه سه ساله بگوید چه غذا بخوریم؟ می داند پدر باید غصه اش را بخورد اصلاً فکر به آن نمی کند. اگر بررسی پسرم این هایی که در یخچال هست نگاه کن به نظرت این ها از کجا آمد؟ هیچی نهایت بخواهد فکر کند می گوید بابا از آن پول ها داری از این ها بخریم؟ ذهنش این طوری است.

خوش به حال کسی که خدا را رزاق دید صفات الهی که در قرآن و سوره مبارکه حشر و جاهای مختلف آمده است چرا صفات الهی علیم، حکیم، رزاق، رثوف بالعباد هست چرا این ها گفته می شود؟ خیلی هایش هم بسیار پر تکرار هست یعنی آرام باش مدام ترس می گیرد من هستم. فرزندت می ترسد من هستم. اگر این طوری شد من هستم.

مدام قرآن دارد می گوید من هستم خدا هست اگر یادمان رفت تشویش پیدا می کنیم کاسبی در بازار بود رفیقش پیشش آمد گفت فلانی وضعیت بازار خیلی خراب است مشتری نیست و ... گفت الحمد لله خدا می رساند. گفت جدی می گویم الان در این وضعیت بازار گفت خدا رزاق است ما را یادش نمی رود.

گفت به ما نمی گویی می خواهی دست زیاد نشود؟ باشد می روم دستش را گرفت گفت نارات نشو بیا توضیح بدهم. پیر مرد یهودی (جهود) شب های جمعه در بازار می آید پولی به من کمک می کند کارم راه می افتد گفت الهی شکر کار تو هم این طوری راه می افتد. گفت مرد حسابی به تو می گویم خدا می رساند باورت نمی شود بعد می گویم پیر مرد یهود اصلاً ربطی به من ندارد باورت نمی شود.

جهودها معروف به این هستند آب از دست شان نمی چکد آن هم شب جمعه که بازار تعطیل است می آید به من کمک می کند این را باورت می شود؟ مدام قرآن تکرار می کند خواندن قرآن، موآنست قرآن یکی از خاصیت هایش این هست مدام می گوید خدا رزاق است حرص و طمع نگیرد، مال حرام و اشتیاق نسبت به حرام نگیرد.

(وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)

و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.

سوره مائده (۵): آیه ۵۶

گروهی که با خدا هستید کمی جمعیت نگیردان وای ما کم هستیم آن همه افراد آن طرف هستند. غلبه مال گروهی هستند که با خدا باشند ملاک، کمی و زیادی نیست. یاد بگیرید صد و نه بار در قرآن ماده (حَسِبَ) آمد. در صد و دو آیه قرآن کریم چون بعضی از جاها دو بار آمد بعضاً هم نگاه می کنید با سیاق منفی است یعنی چه؟

(وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ

يَرْزُقُونَ)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۹

(وَلَا تَحْسَبَنَّ) اصلاً حق نداری این طوری حساب بکنی؛ خدا می گوید حساب و کتاب دست من است دست تو نیست. خدایا ببخشید اشتباه در قرآن نگفتی؟ دست به رگ گردن شهید می زنیم نبض ندارد اصلاً بدن تکه تکه است چرا می گویی زنده است این میت است بعد داری می گویی (عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ)، رزق، خدایا هر چه این را می بینم شهید و تکه تکه هست؟

حساب کتابت غلط است (وَلَا تَحْسَبَنَّ) آنی که من می گویم حیات دارد آن رزقی که من می گویم را دارد معلوم است حساب و کتابت غلط دارد. پسر نوح هم حساب و

کتاب کرد گفت پیروز می شوم به محکم ترین و مرتفع ترین جا (کوه) پناه می برم. بعد از چند هزار سال از خود شما بپرسند یک جای محکم و مرتفع مثال بزن کوه می گوئیم.

الان مثال هم می زنیم مثل کوه محکم گفت چه شد نجات پیدا کرد؟ محاسبه اش درست بود ولی نجات پیدا نکرد. محاسبه چه کسی درست بود؟ حضرت نوح به خدا اطمینان کرد گفت کشتی تو را در طوفان نجات می دهم نوحی که کشتی ساز و نجار نیست اما به دستور خدا، کشتی می سازد خدا آن کشتی را نجات می دهد.

مجری:

در خشکی دیگران هم می آیند مسخره می کنند.

استاد سعیدی آریا:

«يَعْمَلُ مَنْ رَكِبَهَا» هر کسی هم بیاید سوارش بشود ایمن است. کشتی امام حسین (علیه السلام) همین خاصیت را دارد اهل بیت (علیهم السلام) و قرآن همین ها هستند. یادمان باشد جایی که کشتی مثال می زنیم ذهن مان سراغ کشتی حضرت نوح برود. کشتی حضرت نوح کجا فرود می آید؟ روی همان کوهی که فکر می کند راه نجاتش است. راه مرگ پسرش است ولی راه نجات او است

گر نگهدار من آن است که من می دانم * شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد

قرآن یادمان می اندازد خدا رزاق، علیم و حکیم هست کارش روی حساب و کتاب است همه این ها را یادآوری می کند. این «حَسِيبَ»ها را تکرار می کند کسی که

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ)

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، و

او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد.

سوره طلاق (۶۵): آیات ۲ و ۳

(مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ) است کسی که تقوا دارد چه اتفاقی برایش می افتد؟ (وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) این هم شد (لَا يَحْتَسِبُ)، «بغیر حساب» چرا غیر و لا دارد؟ خدا در قرآن می گوید بنده من اشتباه حساب می کنی چراغ قوه ذهنت تا کجا را می تواند روشن کند.

مجری:

ماشین حساب تو حدی دارد

استاد سعیدی آریا:

اما ماشین حساب من کلیدی به نام برکت دارد ماشین حسابت ندارد. می زنم کسی عمرش مثل شهید مطهری (رضوان الله تعالی علیه) پنجاه و خرده ای سال می شود ولی برکت عمرش را ببینید. ولی هنوز می خواهی به کسی کتاب معرفی بکنید آشنای علوم اسلامی و ... باشد علامه امینی (رضوان الله تعالی علیه) شصت و خرده ای سال داشت. حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) چه برکتی دارد؟

امروز نگاه می کنید در جمهوری اسلامی چقدر این عالم اظهار بشارت ها و آن چیزهایی که خود حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) دارد اگر بخواهیم واردش بشود موضوعش خیلی مفصل می شود. تحذیرها و هشدارهای که داشت پیامبر گونه مردم را روشن کرد چه ثمراتی داشت؟ مردم را از بهائیت، بابیت و چیزهایی که داشت کشور را در بر می گرفت دور کرد به این برکت عمر می گویند.

دو هزار سال عمر نکرد ولی عمرش چقدر کم مؤنه و پرفایده بود چقدر عمر شیرینی داشت این آدم چقدر به درد خور بود؟ برکت را بخواهم مثال بزنم لغتش را حضرت آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) می فرمودند از کلمه بَرَك می آید بَرَك نام پارچه ای است در ۱۵۰۰ سال قبل از اسلام بود.

این پارچه را از موی خاصی از شتر بود این پارچه، پارچه خیلی ظریفی در می آید خیلی خوب گرم نگه می داشت به اندازه یک پوستین دو، سه کیلویی؛ وقتی یک چیزی کم مؤنه و پر فایده باشد به آن با برکت می گویند. عمر کوتاه اما عمری که خیلی با برکت بود خدا به مال حلال برکت، شیرینی و مزه می دهد. ماه حرام، حجم پیدا می کند ولی ثمر ندارد و بی مزه می شود.

البته اگر آدم گفتار صفت بود به حجم و آلودگی محاسبه می کند جای خودش باشد. قرآن کریم برای همین کارایی است ان شاء الله خداوند دل های ما را مانوس با مفاهیم قرآن قرار بدهد.

مجری:

ان شاء الله خیلی زیبا، بسیار عالی در این اوقات نزدیک اذان مغرب و افطار واقعاً دل هایمان دارد به نور قرآن منورتر می شود.

(میان برنامه)

مجری:

...در این برنامه پیرامون قرآن کریم داریم صحبت می کنیم ماه، ماه نزول قرآن کریم، بهار قرآن کریم هست بسیار شایسته هست حالا الحمد لله عزیزان همه توفیق دارند جزء خوانی می کنند این محتوا را هم بیشتر جناب استاد به آن اشراف داشته باشند.

استاد سعیدی آریا:

ان شاء الله که خدا توفیق بدهد ظرف وجودی مان این قدر توسعه پیدا بکند چون از این طرف که قرآن چیزی کم ندارد. بارش باران است ظرفت هر چقدر بزرگ تر باشد دریافت می کنی راجع به قرآن کریم، مفاهیم و معارفش صحبت می کردیم. قرآن را عرض کردیم خلاصه ای از گذشته عرض کنم (هُدًى لِلنَّاسِ) هدایت است اصلاً ذاتش برای هدایت است.

اما:

وَتُنزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید.

سوره اسراء (۱۷): آیه ۸۲

یعنی اگر آفتاب به گلستان تابید بوی عطر گل بلند می شود. اما اگر به آلودگی، به مزبله و زباله دان تابید بوی عفونت بلند می شود. همین آفتابی که رویش در آن هست برای کشاورزی آفتاب لازم است یک جاهایی باعث فساد می شود (وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا) حکومت عدل امیر المؤمنین علی (علیه السلام) هم باشد برای کسانی که اهل ظلم هستند تلخ است.

برای حکومت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم باب حجة، اصول کافی نگاه بفرمایید آن جا هم برای بعضی ها تلخ می آید. این طوری نیست شک داشته باشند ایشان حضرت حجت هست یا نیست؟ حجت خدا هست استدلال تام و تمام است. اما باز هم با دشمنی نسبت به آن اقدام می کند.

این در زمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم بود یعنی مخالفت با هدایت در زمانی که معرفت صد در صدی باشد بود. چهل سالگی پیامبر اکرم (صلوات الله و سلامه علیه) ابتدای تبلیغ حضرت، کم کم مردم دارند به مرور زمان آشنا می شوند دایره دارد بیشتر می شود افراد به هم خبر می دهند یک سری شک و تردیدها هم در مردم اتفاق می افتد.

قصه ای که دارم تعریف می کنم شأن نزول یکی از آیات قرآن کریم است. کم کم دارد خبر می پیچد شک و تردیدها هم به وجود می آید. چطور مطمئن بشویم این شخص

پیامبر است؟ ادیان گذشته همیشه اطلاعات، مشخصات و بشارت های را راجع به نبی بعدی داشتند. مردم سراغ علمای یهود رفتند.

شخصی که می گوید پیغمبر هستم واقعاً همان است که شما می گفتید پیغمبری می آید این همان مشخصه های را که شما گفتید دارد؟ قرآن کریم می فرماید علمای

یهود

(الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند!

سوره بقره (۲): آیه ۱۴۶

خدایا پناه بر تو (يَعْرِفُونَهُ) یعنی می شناختند معرفت؛ هـ (يَعْرِفُونَهُ) یعنی خود پیغمبر، پیغمبر را می شناختند (كَمَا) مثل این که (يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ) پسرم را چطوری می شناسم اصلاً شک ندارم. این طوری نیست فامیل مان باشد سه سال هست ندیدم فرزندم هست. او را می شناختند پس معرفت، صد در صد وجود داشت. تبعیت چقدر؟ (لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ) کتمان کردن، پوشاندن و مخفی کردن، حق را مخفی کردند.

دو صفحه تاریخ ورق بزنید یک ذره جلوتر بیایید نگاه می کنید در جنگ خیبر جلوی پیغمبر ایستادند چه کسانی ایستادند؟ همان هایی که معرفت داشتند که به دست با کفایت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فتح خیبر اتفاق افتاد و آن جریانات؛ پس می شود معرفت کامل باشد و تبعیت صفر نه دشمنی هم باشد.

نرو تو محور مختصات بگویی هیچی نه، دشمنی و منفی هم باشد. پس قرآنی که هدایت هست می شود معرفت هم رویش باشد روی خود نبی خدا هم معرفت باشد این نص آیه قرآن بود خواندم و می شود مخالفت باشد پس (وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا

خَسَارًا) باید ببینم این وسط چه کاره هستم؟ طریقه دستیابی ام به قرآن چگونه است؟ خود مختار سراغش می روم

گفت یک وقت آدم باید سوادش را داشته باشد می خوانم از آیه سوال می کنم دیدم یک نفر صف اول نماز جماعت با یک حال خوش معنوی نشست تسبیح هم دستش گرفت بلند بلند می گوید «یا اقلش یا اقلوش» گفتم چه می گویی؟ خدا همچنین اسمی ندارد اصلاً کلمه معنی ندارد گفت اتفاقاً دارد خدا هم همچنین اسمی دارد.

گفتم نیست گفت بروی مفاتیح را بیاورید به شما نشان بدهم خدایا چهار تا دعا خواندیم «یا اقلوش» ندیدیم. مفاتیح را آوردیم بنده خدا ورق زد گفت نگاه کنید این جا نوشت باید خدا را این طوری صدا کرد نگاه کردند دیدند نوشت بعد از نماز صد مرتبه فلان ذکر را بگویند یا اقلش ده مرتبه بگویند. یا اقلش را «یا اقلش» خواند ده مرتبه هم می گفت.

سواد می خواهد چه از خودت در می آوری؟ چرا پیش اهل بیت (علیهم السلام) می آیند راجع به آیه سوال می کنند؟ چرا حضرات اهل بیت (علیهم السلام) حتی داریم مأمون هم پیش امام رضا (علیه الصلاة و السلام) در کتاب عیون اخبار الرضا آمد راجع به فلان آیه سوال کرد. یعنی عربی بلد نبودند؟ آن ها ترجمه اش را بلد بودند.

بحث مان، بحث ترجمه نیست بحث فهم مفاهیم و بطن قرآن است که اهل بیت (علیهم السلام) مشخص کردند تفاسیر روایی می بینیم توضیحاتی که نسبت به مسئله قرآن می بینیم. از خودمان چیزی راجع به قرآن در نیاوریم با چراغ عالم، با چراغی که مسلط به قرآن است اهل بیت (علیهم السلام) یا تفاسیری که بر اساس روایات نوشته شدند بر این اساس به قرآن مراجعه می کنیم.

والا از قرآن، داعش هم در می آید غیر از این است؟ یعنی واقعاً قرآن نمی خوانند؟ در ویدئوها و فایل هایشان چیزهایی می بینیم استنادشان در این کشتارها و در این

مسائلی که داشتند به قرآن نبود؟ چرا ولی اجتهادی هم بود؟ نه، دل بخواهی قرآن را اصطلاحاً می گویند:

«مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»

التفسير الصافي؛ الفيض الكاشاني، محمد محسن (المتوفي ١٠٩١ق)، تحقيق:
صححه وقدم له وعلق عليه العلامة الشيخ حسين الأعلمي، چاپ: الثانية، ناشر:
مكتبة الصدر - طهران، چاپخانه: مؤسسة الهادي - قم المقدسة، سال چاپ: رمضان
١٤١٦ - ١٣٧٤ ش، ج ١، ص ٣٥

«عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال من فسر القرآن برأيه فليتبوأ مقعده
من النار»

تفسير السمرقندي المسمى بحر العلوم؛ اسم المؤلف: نصر بن محمد بن أحمد أبو
الليث السمرقندي الوفاة: ٣٦٧، دار النشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: د. محمود
مطرجي، ج ١، ص ٣٦

جایگاهش آنش می شود پس قرآن خاصیت تفسیر به رأی دارد؟ قرآن می تواند امام
زمین بزند؟ بله می شود سر نیزه زد جلوی امیر المؤمنین علی (علیه السلام) عَلمش
کرد و جنگ برده را به باخت تبدیل کرد. مالک می گوید به اندازه ده شمشیر زدن مانده
بود که چشم فتنه را در بیاورم کار را در جنگ صفین تمام کنم.

به قول ما به قله رسیدن تمام بود قرآن سر نیزه می رود در غیر جایگاه خودش قرار
بگیرد بله که خسارت ایجاد می کند. بله که مشکل ایجاد می کند. «لا حکم الا لله»

«قَالَ (سلام الله عليه): كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ»

نهج البلاغة (للصبي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر:
هجرت، محقق/ مصحح: فیض الاسلام، ص ٨٢، و من كلام له (عليه السلام)

[للخوارج] في الخوارج لما سمع قولهم «لا حکم إلا لله»

بله که می شود با کلمه حق، کلمه قرآن با نفس و جلد قرآن سر نیزه این کارها را کرد. (چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا) آنی که عمرو عاصی باشد می داند بلد باشد با قرآن اسلام را زمین بزند اصل و اساس اسلام که امیر المؤمنین علی (علیه السلام) باشد جنگ برده را تمام بود چه کسانی گول می خوردند؟ از سپاه اسلام گول می خوردند آن طرفی ها، آن طرف هستند چه کسانی دست از جنگ می کشند؟ سپاه اسلام!

این جا داغش به دل آدم می ماند مالک اگر می خواهی علی را زنده ببینی بر گرد یعنی چه؟ یعنی خودی ها هستند لشکر آن طرف است پس عاقلانه برخورد کردن نسبت به قرآن، قرآنی که: «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعَنْتَرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَانَهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة:

٢٤١ ، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ٣، ص ١٤

هیچ وقت جدا نمی شود قرآن منهای اهل بیت (علیهم السلام)، اسلام را زمین می زند بله این اتفاق می افتد.

(إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ) می خواهم راجع به یکی از رویکردهای پیامبر در مورد قرآن کریم عرض کنم (إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ) برای تان نگران هستم خوف، ترس، نگرانی «وَأَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَرَامِيرًا.» می ترسم قرآن را مثل موسیقی، مذقون، نی با آن برخورد کنید اولاً وقتی پیغمبر نگران است یعنی همچنین احتمالی وجود دارد. تحذیر دارد می کند حواس تان را جمع کنید. می ترسم از این که قرآن تان مثل مجلس موسیقی چه خاصیتی دارد؟ امروز به مجلس موسیقی، کنسرت گفته می شود.

در این مجلس حال می کنند بر می گردند اگر یک میکروفون ببرید بپرسید در تربیت فرزندان چقدر تأثیر داشت؟ طرف نگاه می کند کنسرت در تربیت فرزند چه معنی دارد؟ در کاسبی شما چقدر تأثیر داشت؟ در روش زندگی شما چقدر تأثیر داشت؟ می گوید چه می گویی دو ساعت آمدم بنشینم حال کنم و بروم پولش را هم دادم.

ولی این های که تو می گویی مال کلاس اخلاق و تربیت است قرآن هم (هُدَى لِلنَّاسِ) است پس این قابلیت را دارد که تبدیل بشود به «وَأَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِيرًا» کنسرت، مجلسی موسیقی؛ «كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي» هم کنار این و چسبیده به هم است. هر بلایی ممکن است سر این بیاید ممکن است سر آن هم بیاید.

نه این که مجلس قرآن این قابلیت را دارد مجلس اهل بیت (علیهم السلام) هم این قابلیت را دارد. کسانی که شب ها در ماه رمضان مجلس می روید مجالسی را انتخاب کنند وقتی بیرون آمدند صرف یک حال کردن نباشد چه شد؟ مجلسی باشد روی من اثر گذاشته باشد اگر برای امیر المؤمنین علی (علیه السلام) اشک ریختم یعنی یا علی دوست دارم شیعه واقعی تو باشم.

خروجیش این نباشد که از فلان هیئت بیرون می آیم مادری جلوی من را می گیرد می گوید حاج آقا پسر دو سال هست به این هیئت می آید ولی نمی دانید چطوری با من حرف می زند؟ دو سال هیئت آمدی کلام اهل بیتی که یک کلمه اش زهیر ابن قین را از کسی که عثمانی مذهب است تبدیل به یار امام حسین (علیه السلام) می کند این باید تو را زیر و رو کند دو سال هست با مادرت این طوری حرف می زنی؟

هیئت، مجلس قرآن، مجلس تربیت است «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ» می ترسم کاربریش را عوض کنید. پس قرآن این قابلیت را دارد که کاربریش عوض بشود مثال ها را از جنگ صفین تا دم در هیئت زدم. در قرآن خواندن هایمان آن های که مسلط به زبان عربی هستند یک چیز دیگر هست آن هم تدبر می خواهد ترجمه نمی گفتیم تدبر داریم فکر کنند فکرها چطوری است؟

مخاطبش من هستم راجع به هزار و چهارصد سال پیش نیست (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) من را هم می گیرد. (یا أَيُّهَا النَّاسُ) من را می گیرد. نگاه کنم بینم چقدر با این قرآن هم جوانی دارم به خودم نمره بدهم. آن (وَاتَّقُوا اللَّهَ)، تقوایی که توصیه می کند دارم یا نه؟ توصیه اش برای تفریح است؟ توصیه اش برای این است که وقت بگذارنیم؟ برای صوت زیبایش است؟

بله صوت زیبا هم گفتند اما هدف این نیست مثال برای تان بزنم اگر به شما مسئله شرعی بگویند همه بلد هستند من به نیت خنک شدن وضو می گیرم باطل است. به نیت خنک شدن نمی شود قربة الی الله باشد اما یکی بگوید وضو می گیرم خنک هم می شوم وضو باطل نیست معلوم است در تابستان آب خنک می ریزد خنک می شوید.

بله از صوت زیبا لذت هم می برم ولی همه قرآن صوتش نیست به نیت صوتش بخوانم یا بشنوم؟ پناه بر خدا این ها را خیلی دقت بکنیم نمی گویم اصلش نباشد این قدر سفارش داریم با صوت نیکو بخوانید. یکی از سلیقه های ما باید سلیقه در اجرای قرآن و پیاده کردن صوت، لحن، زمان پخش قرآن باشد.

اما همه اش در این خلاصه نشود بله که من باید برای ابا عبد الله (علیه السلام) سینه بزنم و اشک بریزم اصلاً نور چشم من همین است دنبال این هستم. ولی چقدر یک جور هست که امام زمان من را می بیند راضی هست یا نیست؟ نمازها، روزه و شرایع دینیم تمام مسائل منطبق بر خواسته های امام زمان است جوانی هستم که می پسندد؟

بعضی از شیعیان در زمان امام صادق (علیه الصلاة و السلام) در روایت دارد خطا می کردند حد می خوردند دم خانه امام صادق (علیه السلام) می بردند می گفتند مردم توجه کنید این شیعه جعفر ابن محمد است!

«كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا»

تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، محقق/ مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج ۱۲، ص ۸

«شَئِنٌ» یعنی سرشکستگی؛ حیاء می کنم ان شاء الله هیچ کس این طوری نباشد پس می شود آدمی شیعه باشد باعث سرشکستگی و شرمندگی امامش بشود، این دیگر روایت بود.

عزیزان اهل قرآن، عزیزان اهل ماه رمضان، عزیزان اهل، اهل بیت (سلام الله عليهم) خود سازی، اهل بیت آمدند ما را آدم کنند. آمدند به ما روش درست را آموزش بدهند، این ظواهر گاهی ما را نگیرد، اگرچه بسیار مهم است همان قدر که قرآن خواندن مهم است، همان قدر حجاب مهم است همه این ظواهر سرچایشان اگر نبود اهل بیت می گفتند ما نماز هم نمی خوانیم.

نماز، روزه همه شان مهم است می خواهند آدم مان کنند، می خواهند یک کاری کنند از شئون حیوانی دور بشویم، کاربرد هدایت را به غیر هدایت تغییر ندهیم.

مجری:

خیلی ممنون و متشکرم، بسیار عالی. حضرت استاد این سلیقه زیبایی قرآن را هم به عنوان حسن ختام برنامه داشته باشیم و از محضرتان استفاده کنیم.

استاد سعیدی آریا:

ما یک حکم دینی داریم و یک سلیقه دینی داریم، این را حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله این گونه مثال می زنند مثل غرس شجر و درختکاری که حکم دینی است و استحباب هم دارد توسط اهل بیت (سلام الله عليهم) سفارش شده که این کار را بکنید. اما یک آدم با سلیقه دینی می گوید یک روز درختکاری قرار می دهیم بعد نهال

هم در اختیارتان قرار می‌دهیم آموزش هم می‌دهیم تخفیف در فلان قسمت هم می‌دهیم این‌ها سلیقه دینی می‌شود؛ یعنی حکم دینی را با این سلیقه پا برجا قرار می‌دهد. برای دیگران شایعش می‌کنیم، شیرینش می‌کنیم.

مجری:

کدام نهال کجا باشد...

استاد سعدی آریا:

چقدر این‌ها با سلیقه است. یک پیره مردی بود خدا رحمتش کند برای سال‌های پیش بود، ما خیلی بچه بودیم نانوایی می‌رفتیم ایشان یک چارپایه دم نانوای می‌گذاشت و می‌نشت و در جیبش هم پر از آبنبات‌های بود که یک ذره قدیمی‌ها یادشان است روکش هم نداشت و کیلوی بود.

مجری:

رنگی هم بود!

استاد سعیدی آریا:

احسنت بله رنگی هم بود. از این آبنبات‌ها داخل جیبش بود هرکس صلوات می‌فرستاد یک دانه از این آبنبات‌ها به او می‌داد اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم. طعم شیرین صلوات که به واسطه آبنبات ایجاد می‌شد بعد از چهل و خرده ای سال هنوز در اذهان ما باقی مانده است انگار ذائقه اش هست این سلیقه دینی است.

هیچ جا در روایت نداریم به کسی که صلوات می‌فرستد آبنبات بدهید، ولی ببینید چقدر با سلیقه این کار را انجام داده است و شیرین جلوه می‌دهد. در قرآن هم همین مسئله است من صحنه‌های تلخی به چشم خودم در این زمینه دیدم. آموزش قرآن

است شروع به یاد دادن می‌کند اگر فلان آیه را اشتباه خواند محکم به پس گردن بچه می‌زند که اشتباه خواند!

می‌دانید این چه اثر منفی دارد، قرآن در دل این بچه چه می‌شود؟ این را با چشمم دیدم. آدم آتش می‌گیرد وقتی این چیزها را می‌بیند. باید آموزش قرآن برای کسانی که آموزش می‌بینند شیرین جلو کند حتی اگر جای غلط می‌خواند صبر بکن بعد برگرد غلطش را اصلاح کن اگر پنج تا غلط دارد یکی یکی برایش بگو. نگو خراب کردی چرا این طوری خواندی؟ اگر کتکش زدی و بد برخورد کردی بعد توقع داری این فردا بیاید قرآن را باز کند و قرآن بخواند هیچ تمایلی ندارد!

اگر یک جایی قرآن خواندی کنارت آمد نشست باید به او بگویی آخ جون چقدر کار خوبی کردی بیا گوش کن، حجمش را هم نگاه کنید از کم شروع کنید نشود یک دفعه ده صفحه جلویش بگذاری. بگو بیا قبل افطار یک دانه آیه بخوانیم. طبق حوصله شخص باشد بچه‌ها هم متفاوت هستند.

یک دفعه یک بنده خدایی منزل ما آمده بود این تلخ است از شهرستان قم آمده بودند بعد از رفع خستگی گفتند ما می‌خواهیم حرم برویم، دیدم بچه‌هایش التماس می‌کنند بابا ما را حرم نبر! می‌دانی چرا؟ بچه‌هایش دو تا پسر بچه بودند. به بچه‌هایش در حرم گفته بود کنارم بشینید مفاتیح را باز می‌کرد و می‌گفت فلان دعاها را بخوانید و تکان نخورید. این بچه چه حسی از توی حرم برایش ایجاد می‌شود.

خاطره تلخ ایجاد می‌شود، ایشان این قدر پیش ما خجالت کشید که بچه‌هایش می‌گویند حرم نمی‌روند که مثلا بی دین هستند. نه آنها بی دین نیستند این تقصیر تو است که این اتفاق افتاده است. چرا برایش شیرین نکردی؟ این را دقت کنیم ان شاء الله سلیقه قرآنی‌مان شیرین جلوه دادن قرآن در اذهان و ذائقه بچه‌های ما هنر ما می‌شود. بچه قرآن خواندن من را نگاه کند و اصلا ببیند که من این کار را می‌کنم.

خیلی از تربیت‌ها به لفظ مستقیم گفتن نیست، بچه ببیند پدرش شب ماه مبارک رمضان این جا نشسته و قرآنش هم کنارش است دارد چند خط قرآن می‌خواند، همه اش پای موبایلش نیست. اگر پای موبایل هم است صدای قرآنش را یک کم بلند می‌کند این‌ها تربیت است و ربا نیست تا بچه‌هایمان سلیقه تربیتی من را یاد بگیرند. یاد بگیرند که یک چیزی به نام قرآن خواندن در خانه داریم، یک چیزی هم به نام تعامل اجتماعی داریم.

اگر یک شبکه ای دارد یک توضیح قرآنی راجع به فلان مطلب می‌دهد بگوید ای صبر کن بگذار ببینم چه می‌گوید! یعنی این موضوع مهم است می‌خواهم یاد بگیرم. یک وقت به بچه خودم می‌گویم بابا جان این جا بیا این آیه را ببین چقدر قشنگ است چطور وقتی یک چیز با مزه ای در موبایلم باشد صدای شان می‌کنم بابا بیا این جا این را ببین یک ذره باهمدیگر بخندیم، در قرآن هم یک همچنین مطلبی را داریم بگوییم این جای که قرآن این را گفته من تجربه اش را دارم بگذار قصه برایت تعریف کنم.

به خدا گذشتگان ما همین طوری قرآن را شیرین می‌کردند و تبدیلیش به راه حل مشکلات زندگی می‌کردند. دل با این قرآن آرام می‌گیرد ان شاءالله خداوند به همه مان توفیق بدهد مأنست با قرآن، درک شیرینی و هدایت قرآن را خدایا تو را به آبروی امیر المؤمنین صاحب این ماه که نزد تو آبرو دار است، حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) که رزق همه عالم بسته به نگاه او است آنی و کمتر از آنی ما را به خودمان وامگذار و شر دشمنان اسلام و انقلاب عزیز را به خودشان بر گردان.

خدایا رهبر عزیزمان، خادمین به اسلام و انقلاب را در کنف حمایت خودت حفظ بفرما و آن منتهای آرزوی ما که فرج آقا امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) باشد هرچه زودتر خدایا محقق بفرما.

مجری:

ان شاء الله رب العالمين، احسنتم طيب الله انفاكم خيلي ممنون و متشكرم استفاده
کردیم و لذت بردیم.

استاد سعیدی آریا:

تحمل کردید ببخشید!

مجری:

بزرگوارید استفاده کردیم، حتما بینندگان عزیز هم بسیار بهره بردند و ان شاء الله
دعاگوی جنابعالی خواهند بود شما هم دعاگو و نائب الزیارة خواهید بود و اگر فرصتی
بازهم باشد باز در خدمت شما هستیم. ممنون و متشكرم التماس دعا.

همچنین ممنون و متشكرم از شما بینندگان عزیز و ارجمند که ما را همراهی فرمودید
ان شاء الله با ما تا پایان ماه مبارک رمضان با ویژه برنامه ضیافت آسمانی همراه
خواهید بود. عرضی ندارم جز همین دعا که الهی بفاطمة و ابیها و بعلها و بنیها عجل
لولیک الحجة ابن الحسن الفرج والعافية والنصر!

والسلام علیک ورحمة الله و برکاته